

## جشنواره‌ی موضوعی؛ آری یا خیر؟

عباس ساعی

و استان خویش قلمداد می‌شوند و مشاوران بی چون و چرای مسؤلان فرهنگی در گزینش شاعران مهمان هستند و طبیعی است در این «گزینش» رفاقت‌ها و مهمتر از آن میزان تأثیر شاعر مهمان در دعوت متقابل، ملاک‌های تعیین‌کننده‌ای باشند. اینان با توجه به گستردگی جغرافیایی کشور و فعالیت‌های عمدتاً موازی دستگاه‌های فرهنگی، تقریباً همیشه کوله بار سفر بر دوش دارند و از این شهر به آن شهر و از این استان به آن استان در حال حرکتند. به نوعی که ممکن است یکدیگر را طی هفته چند بار و در چند شهر یا استان دور از هم ملاقات کنند. این سفرها البته جذاب و دلخواهند؛ وسیله‌ی ایاب و ذهاب غالباً هواپیماست و محل اقامت هتل‌های مجلل، سرویس پذیرایی باز، سوغات شهرستان (این موضوع موافقت خانواده‌ها را نیز که ممکن است مدت‌ها زن یا مرد خویش را به سیری نبینند، فراهم می‌آورد). و بالاخره هدیه‌ی جشنواره که غالباً برق خیره‌کننده‌ی سکه‌ی طلاست یا معادل آن (آن‌ها) چک پول. نکته‌ی پیداست هر یک از این جذابیت‌ها برای کسانی که در عمر خود - اگر چنین برنامه‌هایی نباشد - امکان دارد اساساً سوار هواپیما نشوند یا حتی یک شب در چنین هتل‌های مجللی اقامت نکنند، بسیار رؤیایی است.

بعضی از این شاعران که خریدار بیشتری دارند (چه از لحاظ شعری و چه از لحاظ مسؤولیت و نفوذی که در شهر و دیار خود بر عهده دارند) غالباً افزون بر این همه، شرط دیگری نیز روی دست دست‌اندرکاران می‌گذارند و آن آوردن همراه است. عمدتاً همسر و گاهی یک یا چند بچه. این مسئله نیز راه‌کار مخصوص به خود را دارد. شاعر با شرم و حیای بسیار هنگامی که از او دعوت می‌شود، می‌گوید همسرش مدت‌هاست مثلاً می‌خواسته به زیارت امام رضا (علیه السلام) بیاید و توفیق! نمی‌شده، (شاه چراغ (علیه السلام)، حضرت معصومه (سلام الله علیها) حسب مورد یا بازدید از مناطق جنگی، سی و سه پل و ... به اقتضای شهر برگزار کننده) الان در صورتی می‌تواند به این جشنواره یا کنگره بیاید که همسرش (و البته حسب مورد فرزند یا فرزندان) او را همراهی کنند و گر نه او ناگزیر است طبق قولی که پیش از این داده در معیت خانواده باشد. البته او بلافاصله اضافه می‌کند ضمناً هزینه‌های او (آن‌ها) را شخصاً پرداخت خواهد کرد. در حالی که خود می‌داند این متمم تنها یک تعارف است و نه مسؤولین بابت حضور همراه هزینه‌ای دریافت خواهند کرد و نه او بابت این هزینه‌ها ریالی پرداخت خواهد کرد. علاوه بر این‌ها گاهی این مهمانان اجباری نیز از کلیه‌ی مواهب جشنواره چون دیگر شاعران برخوردار می‌شوند. از طرفی دیگر، عمده‌ی این شاعران کارمند دولت هستند و غالباً در آموزش و پرورش، دانشگاه، فرهنگ و ارشاد اسلامی و بعضاً دیگر وزارتخانه‌ها فعالیت می‌کنند و طبق قانون با ارائه‌ی دعوت‌نامه‌ی جشنواره و کنگره، برگه‌ی مأموریت (با مزایا یا بدون مزایا) دریافت می‌کنند و به طور طبیعی عدم حضور آنان منجر به برگزار نشدن کلاس دانش‌آموزان و دانشجویان و بی‌درجایی آن‌ها و سرگردانی ارباب رجوع می‌شود و پیامدهای ناگوار اجتماعی و فرهنگی را با خود به همراه می‌آورد. حجم این سفرها آنقدر زیاد است که چنین شاعرانی کمتر توفیق مطالعه پیدا می‌کنند و در طول سال به جز خواندن یکی دو روزنامه، آن هم صفحات ادبی و گاهی صرفاً جست‌وجو برای پیدا کردن اسم و شعر خود یا دوستان خود مطالعه‌ی دیگری ندارند. هنگام برگزاری مراسم نیز ممکن است از روی رودرپایستی با مسؤولین در سالن حضور داشته باشند و گرنه بیشتر ترجیح می‌دهند بیرون از سالن حلقه‌های چند نفری تشکیل بدهند و با یکدیگر صحبت کنند و احیاناً سیگاری بکشند. گروهی

ضرورت یا عدم ضرورت برگزاری جشنواره‌ی شعر موضوعی، پرسشی است همزاد جشنواره‌هایی که از نخستین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی در گوشه و کنار کشور به مناسبت‌های مختلف برگزار شده و می‌شود و تقریباً تمام شاعران و دیگر کسانی که از دور و نزدیک دستی بر آتش شعر دارند، بسته به نوع پاسخی که به آن می‌دهند، در یکی از این دو جبهه صف آرایی می‌کنند: گروهی از طرفداران پر و پا قرص چنین جشنواره‌هایی هستند تا آن‌جا که در اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها حضور دارند و گروهی اساساً با برگزاری آن‌ها مخالفند و مخالفت خود را به شیوه‌های مختلف از جمله عدم حضور یا ریشخند و استهزای دست‌اندرکاران و شاعرانی که به این جشنواره‌ها رفت و آمد دارند، اعلام می‌کنند. علاوه بر این دو گروه، شاعرانی هم هستند که اصطلاحاً شریک دزد و رفیق قافله‌اند. آن‌ها در سخن، ژستی منتقدانه به خود می‌گیرند و از چنین جشنواره‌هایی انتقاد می‌کنند، اما عملاً در تمام آن‌ها حضور دارند و از مواهب ضمنی آن‌ها - حتی بیش از دیگران - استفاده می‌کنند. نهادهای دستگاه‌های فرهنگی برگزارکننده‌ی این جشنواره‌ها، عموماً دولتی یا وابسته به حاکمیتند و سامان‌بخشی فعالیت‌هایی از این دست جزو برنامه‌های آن‌هاست. آن‌ها در راستای انجام مأموریت‌های فرهنگی خود که در رأس آن‌ها نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی و انقلابی است، با هزینه‌ای که عمدتاً از رهگذر بودجه‌ی عمومی و بیت‌المال تأمین می‌شود، اقدام به برگزاری چنین جشنواره‌هایی می‌کنند. جالب این‌جاست که اجرای جشنواره‌های شعر با وجود هزینه‌هایی که بر آن‌ها مترتب است، در مقایسه با دیگر فعالیت‌های فرهنگی و هنری مثل جشنواره‌های فیلم، عکس، تئاتر و ... با دشواری‌های کمتری همراه است و البته انعکاس بیشتری دارد که این خود حدیثی دیگر است و به فرصتی دیگر نیاز دارد.

این جشنواره‌ها غالباً به پیشنهاد یکی از مسؤلان ارشد فرهنگی به مناسبت‌های مختلف دینی (مذهبی) و انقلابی شکل می‌گیرند و طی آن‌ها دست‌اندرکاران، از شاعران دعوت می‌کنند آثارشان را به دبیرخانه‌ی جشنواره ارسال کنند. در مرحله‌ی بعد گروهی با ملاحظات پیدا و پنهان به بررسی آثار که عمدتاً از شاعران درجه‌ی چندم و احیاناً شاعران جوان نواخته‌ی کم اسم و رسم است، پرداخته و از جمع آن‌ها شاعرانی را برای شرکت در جشنواره دعوت می‌کنند. البته در کنار این عده، گروهی که پای ثابت این قبیل جشنواره‌ها هستند و ارسال شعر را به نوعی کسر شأن خود تلقی می‌کنند، با سفارش دوستانی که در جمع دست‌اندرکاران دارند، به صورت خودکار به این جمع افزوده می‌شوند و معمولاً بهترین زمان‌ها برای قرائت شعر به ایشان اختصاص می‌یابد. این جشنواره‌ها گاه پس از یک دوره برگزاری فراموش می‌شوند و گاهی سال‌ها به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

قضاوتی شتابزده خواهد بود اگر گروه عظیم کسانی را که با این جشنواره‌ها موافق نیستند و بعضی از آن‌ها از چهره‌های موفق و موجه شعر معاصر به حساب می‌آیند، در شمار مخالفین با اسلام و معارضین با انقلاب بدانیم. اگرچه ممکن است گروهی با اسلام و انقلاب مشکل داشته باشند و چون بیان آشکار این نظرگاه را مصلحت نمی‌دانند، به جمع مخالفین با چنین جشنواره‌هایی پیوسته باشند، قطعاً نمی‌توان همه‌ی مخالفین را چنین پنداشت.

گفتیم پای ثابت این جشنواره‌ها شاعرانی آشنا و از پیش تعیین شده و غالباً متوسط هستند. تقریباً تمام این شاعران از چهره‌های مؤثر در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی شهر

جشنواره و کنگره چیست؟ مثلاً آیا طی این همه سال شاعران ما توانسته‌اند، اثری متناسب با عظمت دفاع مقدس فرزندان دلاور این مرز و بوم پدید بیاورند و گرنه خاصیت این جشنواره‌ها چیست؟ اگر این جشنواره‌ها توفیقی در این راستا کسب نکرده‌اند، از آن‌جا که گفته‌اند «آزموده را آزمودن خطاست» و «از ضرر هر جا برگردیم، منفعت است» چرا همچنان بر برگزاری آن‌ها اصرار می‌ورزیم و سراغ روش و شیوه‌ی کارآمدتری نمی‌رویم. در پاسخ باید گفت آیا اگر در این زمینه هیچ اقدامی صورت نمی‌گرفت، محصول کار بیشتر و بهتر از الان بود؟ آیا اگر فرضاً در جایی از فعالیت‌های ما ایراد دارد، باید کل این فعالیت‌ها را تعطیل کنیم؟ باید به خاطر داشته باشیم که جشنواره تنها شکل و صورت کار است و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دست‌اندرکاران به آن هویت و ماهیت می‌بخشد. اگر در این زمینه بررسی همه‌جانبه و ریشه‌داری صورت پذیرد، خواهیم دید که مخالفت مخالفان نه از شکل جشنواره - حتی جشنواره‌ی موضوعی- که عمدتاً از نحوه‌ی برگزاری و نوع عملکرد دست‌اندرکاران است. عملکرد ضعیف دست‌اندرکاران که می‌تواند نتایجی چون قضاوت و داوری ضعیف در بررسی آثار، پارتی بازی، رقیق و رفیق بازی، سودجویی‌های احتمالی و ... را در پی داشته باشد، می‌تواند، چهره‌های نامطلوب از خود به جا بگذارد. بنابر این جا دارد در شیوه‌ی برگزاری این جشنواره‌ها تجدید نظر و از نیروهای متخصص و کارشناس برای حل آن یاری خواسته شود. از سوی دیگر مخالفان نیز باید به جای مخالفت صرف و کناره‌گیری، به میدان بیایند - یا برگردند - و با راهنمایی دلسوزانه‌ی دست‌اندرکاران، زمینه‌ی بالندگی هر چه بیشتر این جشنواره‌ها را فراهم آورند. یادمان باشد دیکته‌ی نانوشته است که غلط ندارد و اگر کسی کاری انجام دهد، این کار می‌تواند با ضعف و کاستی همراه باشد اما بر خورد با کاستی‌ها رها کردن کار نیست. باید به میدان آمد. بسم‌الله ...

نیز همزمان با برگزاری برنامه در قالب دسته‌های چند نفری یا همراه با خانواده برای خرید یا سیاحت به بازار می‌روند. آن‌ها که از اسم و رسم بیشتری برخوردارند و با مجریان امور روابط صمیمانه‌تری دارند، مستقیم یا غیرمستقیم از آن‌ها می‌خواهند، زمان دقیق شعرخوانی‌شان را اعلام کنند تا آن لحظه در سالن حضور داشته باشند و غالباً از وسایل نقلیه‌ی جشنواره استفاده می‌کنند. با این همه بارها اتفاق می‌افتد که مجری چند بار نام شاعری را اعلام می‌کند اما وی در جمع حضور ندارد. از طرفی نفوذ به جمع این شاعران بسیار دشوار است و قوانین خاص خود را دارد و البته یک شاعر جوان و جویای نام نمی‌تواند به آسانی به این گروه ملحق شود.

مخاطبان این جشنواره‌ها نیز در نوع خود جالب هستند. علاوه بر شاعران مهمان که خواه‌ناخواه گروهی از آنان در سالن حضور دارند و تنی چند از مسوولین مملکتی و چهره‌های فرهنگی شهر و استان که غالباً در یکی دو ردیف جلو می‌نشینند، تعدادی از صندلی‌ها را شاعران و علاقه‌مندان شعر و ادب پر می‌کنند؛ کسانی که با تبلیغات گسترده‌ی تلویزیون، رادیو، پوستر، پرده، پیامک و ... از برگزاری جشنواره اطلاع حاصل کرده و در آن حضور یافته‌اند. مابقی صندلی‌ها عمدتاً یا خالی هستند و یا با برنامه‌ریزی دست‌اندرکاران امور با دانشجویان تربیت معلم شهر و استان یا سربازان وظیفه پر می‌شوند.

البته بیان این همه، نباید به مفهوم مخالفت با برگزاری جشنواره‌های موضوعی تعبیر شود. واقعیت این است که در جامعه‌ی دینی و انقلابی ما که مسوولان عمدتاً متدین و انقلابی آن، با تأکید بر پایبندی به اسلام و انقلاب مورد اعتماد مردم واقع شده و رشته‌ی امور را در دست گرفته‌اند، گسترش فرهنگ اسلامی و انقلابی با کمک ابزار کارآمد شعر یک «امکان» است و برای استفاده از آن باید برنامه‌ریزی کرد. در حقیقت این جشنواره‌ها در راستای مأموریت‌های محوله‌ی دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی کشور است که جز انجام فعالیت‌هایی از این دست، برنامه‌ای ندارند و طبیعی است که آن‌ها سکان‌دار چنین حرکت‌هایی باشند. از سویی دیگر طبیعی است که شاعران متعهد و انقلابی نیز در این مسیر به یاری آن‌ها برخیزند. با این همه چرا گروهی از شاعران که در جمع آن‌ها چهره‌هایی بسیار موجه نیز حضور دارند، با برگزاری جشنواره‌هایی از این دست مخالفند و به همراهی بر نمی‌خیزند؟ شاید روشن‌ترین استدلال آن‌ها این باشد که محصول این همه

